

امیر المومنین علی (ع) و نماز



محمد تقی صرفی پور



امیرالمؤمنین علی و نماز

«امیرالمؤمنین(ع) - در جنگ صفین به لشکریان فرمود - شما انشاءالله فردا با دشمن درگیر می شوید. پس امشب را بیشتر به نماز مشغول باشید و قرآن را بسیار تلاوت کنید و از خدا صبر و پیروزی به طلبید.»

درباره امیرالمؤمنین(ع) داریم که در شهادت زهرا تا غم هجوم به اومی آورد، دو رکعت نماز می خواند. لذا قبل از غسل دادن، دو رکعت نماز خواند. قبل از اینکه زهرا را در قبر بگذارد هم نماز خواند. وقتی که زهرا را در قبر قرار داد و خاک روی قبر ریخت، غم به امیرالمؤمنین(ع) هجوم آورد و دو رکعت دیگر نماز خواند.

«امام صادق(ع): هرگاه برای امیرالمؤمنین(ع) مشکلی پیش می آمد، به نماز پناه می برد»

«امیرمؤمنان شبی هزار رکعت نماز می خواند و از کثرت سجده، پیشانی اش پینه می بست. هفتاد بار از خوف خدا، غش کرد و بیهوش شد. در هنگام نماز، تیر را از پایش درآوردند، متوجه نشد. در موقع نماز رنگ برنگ می شد و دچار ترس و لرز می گردید.

امام سجاد(ع) فرمود: مَنْ يَقْدِرْ عَلَى 'عبادة علی؟ چه کسی می تواند مثل علی عبادت کند؟

او «تاج البکائین» یعنی «تاج بسیار گریه کنندگان برای خدا» بود.

شاعر می گوید:

هوالبکاء فی المحراب لیلاً هو الضحاک اذا اشتد الضراب یعنی: علی در شب در محراب، بسیار می گرید. علی در روز، در هنگام جنگ، بسیار می خندد.

در یکی از شبهای سخت جنگ صفین، در حالیکه تیر از هر طرف می بارید، امام مشغول خواندن نماز نافله بود.

خدایا! من، تو را از ترس عقاب و به طمع ثواب، عبادت نمی کنم، بلکه تو را شایسته عبادت می دانم و عبادت می کنم.^۱

شخصی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: «آیا تو، پروردگارت را دیده ای که او را عبادت می کنی؟». فرمود: «وای بر تو! من، خدایی را که ندیده ام، عبادت نمی کنم». عرض کرد: «چه گونه او را دیده ای؟». فرمود: «چشم سر، خدا را نمی بیند، بلکه چشم دل، از روی حقیقت ایمان، او را مشاهده می کند».^۲

«امیرالمؤمنین (ع) - در جنگ صفین به لشکریان فرمود - شما انشاء الله فردا با دشمن درگیر می شوید. پس امشب را بیشتر به نماز مشغول باشید و قرآن را بسیار تلاوت کنید و از خدا صبر و پیروزی به طلبید.»

بحار الأنوار ، قال علی علیه السلام: «الهی! ما عبدتك خوفاً من عقابك و لا طمعاً في ثوابك و لكن وجدتك أهلاً^۱ للعبادة فعبدتك

بحار الأنوار، ص 16 - جاء خبر إلي أمير المؤمنين عليه السلام فقال: «يا أمير المؤمنين! هل رأيت ربك حين عبده؟». فقال: «ويلك! ما كنت أعبد رباً لم أره». قال: «و كيف رأيته؟». قال: «ويلك! لا تدركه العيون في

مشاهدة الأبصار و لكن رأته القلوب بحقائق الإيمان^۲.

دربارهٔ امیرالمؤمنین (ع) داریم که در شهادت زهرا تا غم هجوم به اومی آورد، دو رکعت نماز می خواند. لذا قبل از غسل دادن، دو رکعت نماز خواند. قبل از اینکه زهرا را در قبر بگذارد هم نماز خواند. وقتی که زهرا را در قبر قرار داد و خاک روی قبر ریخت، غم به امیرالمؤمنین (ع) هجوم آورد و دو رکعت دیگر نماز خواند.

«امام صادق (ع): هر گاه برای امیرالمؤمنین (ع) مشکلی پیش می آمد، به نماز پناه می برد»

«امیرمؤمنان شبی هزار رکعت نماز می خواند و از کثرت سجده، پیشانی اش پینه می بست. هفتاد بار از خوف خدا، غش کرد و بیهوش شد. در هنگام نماز، تیر را از پایش در آوردند، متوجه نشد. در موقع نماز رنگ برنگ می شد و دچار ترس و لرز می گردید.

امام سجاد (ع) فرمود: مَنْ يَقْدِرْ عَلَى 'عبادةِ علی؟ چه کسی می تواند مثل علی عبادت کند؟

او «تاج البکّائین» یعنی «تاج بسیار گریه کنندگان برای خدا» بود.

شاعر می گوید:

هوالبکاء فی المحراب لیلاً هو الضحاک اذا اشتد الضراب یعنی: علی در شب در محراب، بسیار می گریه. علی در روز، در هنگام جنگ، بسیار می خندد.

در یکی از شبهای سخت جنگ صفین، درحالیکه تیر از هر طرف می‌بارید، امام مشغول خواندن نماز نافله بود.

خدایا! من، تو را از ترس عقاب و به طمع ثواب، عبادت نمی‌کنم، بلکه تو را شایسته عبادت می‌دانم و عبادت می‌کنم.^۳

معاویه به ضرار بن ضمیره گفت: «علی را برای من توصیف کن». گفت: علی را در بعضی مواضع دیدم که در تاریکی شب، در محراب عبادت ایستاده بود. ریش خود را در دست گرفته و همانند انسان مارگزیده به خود می‌پیچید و زار زار می‌گریست و می‌فرمود: «ای دنیا! از من دور شو! آیا به سوی من می‌آیی؟ وقت تو نیست! هیئات! غیر مرا فریب بده! من به تو نیاز ندارم! تو را سه طلاقه کردم! زندگی تو، کوتاه و ارزش تو، کم و آرزوی من نسبت به تو، اندک است! آه من طول السفر و قله الزاد! آه از کمی توشه و طول سفر و مقصد بزرگ و دشواری‌های جایگاه!».^۴

علی فرمود: هر نمازی را در وقت خاصتش که مقرر شده است بجای آور، نه برای داشتن وقت آزاد نمازی را زودتر از وقتش بگذار، و نه به دلیل درگیریهای دیگر، نماز را از میان ویژه اش به تاخیر انداز، و بدین نکته توجه داشته باش که هر کار دیگری تابع نماز خواهد بود. (نهج البلاغه صبحی صالح عهد 27 ص 385 - 384)

^۳ بحار الأنوار، قال علی علیه السلام: «الهی! ما عبدتك خوفاً من عقابك و لا طمعاً في ثوابك و لكن وجدتك أهلاً للعبادة فعبدتك».

^۴ بحار الأنوار، ج 40، ص 345

سخنی درباره ابعاد مختلف نماز

چرا علی علیه السلام هر شب هزار رکعت نماز می خواند؟ چرا امامان دیگر هم این چنین بودند مثلاً امام حسین علیه السلام شبی هزار رکعت نماز می خواند؟ چرا در اسلام نماز این همه اهمیت دارد؟

در جواب باید بگوییم زیرا نماز بهترین و کامل ترین وسیله برای نشان دادن عبودیت در پیشگاه خالق یکتاست.

بوسیله نماز است که انسان مرتب به خدا اظهار می دارد: ایاک نعبد و ایاک نستعین

حضرت صادق علیه السلام مشغول نماز می شدند و چه بسا در بین نماز حالی بر آن حضرت دست می داد که می افتادند روی زمین! عرض می کردند: این چه حالیست بر شما پیدا شده؟! حضرت می فرمود:

مَا زِلْتُ أَكْرُرُ هَذِهِ الْآيَةَ حَتَّى كَأَنِّي سَمِعْتُهَا مِنَ الْمُتَكَلِّمِ بِهَا!

«من وارد نماز شدم تا رسیدم به این آیه: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾»

این را هی تکرار کردم در نفس خودم ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ تا به مرحله ای که من این آیه را از خدا شنیدم! از خود خدا ها! دیدم خدا دارد بمن می گوید: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ از این حال، این حال بمن دست داد و افتادم روی زمین!

در نماز است که در رکوع عرضه می دارد: سبحان ربی العظیم و بحمده. منزّه است خدای
بزرگ من که من مشغول حمد او هستم

امام صادق علیه السلام: امیرالمومنین علی علیه السلام رکوع نماز را انقدر طول می داد که
عرق از ساق پای وی جاری بطوری که زیر پایش خیس می شد.^۵

سپس به سجده می افتد که نهایت عبودیت است و اظهار می دارد منزّه است خدای بالاتر
من که من مشغول حمد او هستم

از رسول خدا صلی الله علیه و آله سفارش شده است: آگاه باشید! نماز سفره گسترده خدا
و در زمین که خداوند روزی پنج بار (مراد در اوقات مخصوص) برای اهل رحمتش (افراد
شایسته رحمت) گواه نموده است برآستی آن کسی که در شبانه روز پنج بار کنار سفره
رحمت و لطف خدا می نشیند، آیا از کنار چنین سفره ای گرسنه و با دست خالی بر می
خیزد؟ هر گونه، بنابراین بیاید، روح و جان خود را در کنار سفره رحمت و با غذاهای
معنوی و ملکوتی این سفره نیرومند کنیم. (مستدرک الوسائل ج 1 ص 170)

حضرت امیر المومنین علی علیه السلام به کمیل بن زیاد نخعی درباره خصوصیات و کیفیت
نماز می فرماید: ((ای کمیل، شان و قدر و منزلت در عبادت و اطاعت خدا به این نیست که
نماز بگذاری و روزه بداری و صدقه بدهی، بلکه شان و منزلت در این است که نماز را با

قلب پاک بگزاری و سلیم النفس باشی و عملی خدا پسندانه را با خشوع انجام دهی که سرا پای وجودت را فرا گیرد. (یعنی صرف نماز و روزه نیست بلکه عمل ، نیت پاک می خواهد)

بنگر در آن چیزی که در آن و بر آن نماز به نماز ایستاده ای که اگر غصبی و حرام باشد، نماز قبول نیست و فایده ای ندارد (تحف العقول

(

قبل از اقامه نماز مستحب است اذان گفته شود

هنگامی که جبرئیل اذان را آورد، سر پیامبر صلی الله علیه و آله در دامن علی علیه السلام بود، جبرئیل اذان و اقامه را به پیامبر تعلیم داد، هنگامی که پیامبر سر خود را برداشت، از علی علیه السلام سوال کرد آیا صدای اذان جبرئیل را شنیدی ؟ عرض کرد: آری پیامبر صلی الله علیه و آله بار دیگر پرسید آیا آنرا به خاطر سپردی ؟ گفت : آری ، پیامبر فرمود: بلال را (که صدای رسائی) داشت حاضر کن ، و اذان و اقامه را به او تعلیم ده علی علیه السلام بلال را حاضر کرد و اذان را به او تعلیم داد. (وسائل ج 4 ص 612)

امیر المومنین علی علیه السلام می فرماید: ((قیام اللیل مصحّة للبدن و مرضاة للرب عز و جل و تعرض للرحمة و تمسک باخلاق النیین)) قیام شب موجب صحت جسم و خشنودی پروردگار و در معرض رحمت او قرار گرفتن و تمسک به اخلاق پیامبران است (بحار

الانوار ج 87 ص 142 تا 148)

پیامبر خدا ص فرمود:

امام صادق ع :

امیر المؤمنین (ع) در خانه خود اتاقی را که نه بزرگ بود و نه کوچک به عنوان محل نماز قرار داده و شبها برای نماز خواندن ، طفل کوچکی را که نمی خوابید، با خود با خود به آن اتاق برده و نماز می خواند .
(وسائل الشیعه ، ج 3، ص 555، صحیح بخاری ، ج 1، ص 324).

ای جهان بی کران در تو نهان	ای علی ای بی نهایت بی کران
می دهد کوی ولایت بوی عشق	ای علی ای آفتاب کوی عشق
ای نشان از حکمت رب جلیل	ای علی ای خضر، ای نوح، ای خلیل

از برترین امتیازات امیرمؤمنان علیه السلام که تمام صفات برتر او به نحوی از آن سرچشمه می گیرد، عبادت و بندگی اوست. او عابد شب و شیر دلاور روز بود که هرگز از عبادت و بندگی خدا خسته نشد. او در مرکز عبادت، یعنی کعبه به دنیا آمد و در حال نماز، در محراب عبادت مجروح گشت و با آن جراحت به شهادت رسید.

و در حال شهادت نیز جملات نماز را بر زبان داشت که «مَاتَ عَلِيٌّ وَ الصَّلَاةُ بَيْنَ شَفَتَيْهِ؛ علی از دنیا رفت در حالی که نماز بین دو لبش بود.» با این حال، علی علیه السلام اهل سیاست و حکومت، مرد رزم و جهاد، و اهل اجتماع و مردم داری بود. این گونه نبود که عبادت، او را از مسئولیتهای اجتماعی و خانوادگی باز دارد. عبادت او با همه امور زندگی پیوند داشت، بر عکس عده ای که در طول تاریخ اهل عبادت و ریاضت بوده اند، ولی بریده از اجتماع و زندگی و خانواده به سر می بردند.

ضروری می نماید که نگاهی به ویژگیهای عبادت مولا داشته باشیم تا راهنمایی باشد برای جامعه اسلامی، مخصوصا تشیع و آنهایی که می خواهند عبادت را همراه با مسئولیتهای دیگر داشته باشند.

الف. اهمیت عبادت و بندگی از دیدگاه علی علیه السلام

در فرهنگ قرآن و روایات، عبادت از اهمیت والایی برخوردار است تا آنجا که هدف در روایات، از جمله کلمات امیر⁽¹⁾، خلقت انسان و جن عبادت و بندگی دانسته شده است، دربیانات علی علیه السلام تعبیرات زیبایی درباره عبادت آمده است که به نمونه هایی اشاره می شود

(2) محبوب خدا: امام علی علیه السلام فرمود: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَلْهَمَهُ حُسْنَ الْعِبَادَةِ؛

هر گاه خداوند بنده ای را دوست بدارد، خوب عبادت کردن را به او الهام می کند
».

».

(قرب الهی: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «ما تَقَرَّبَ مُتَقَرَّبٌ بِمِثْلِ عِبَادَةِ اللَّهِ؛(3).

»نزدیک نشده است نزدیک شونده ای [به خداوند متعال] به [وسیله ای] مانند عبادت

فضیلت بزرگان: بزرگی به مال و حسب و نسب نیست، بلکه «فَضِيلَةُ السَّادَةِ حُسْنُ
»(4)الْعِبَادَةِ(برتری سروران (و بزرگان) نیکو عبادت نمودن است

حُرّ واقعی: آزاد واقعی کسی است که از بند هوس رسته و به بندگی مولای حقیقی در آمده
است. امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ قَامَ بِشَرَائِطِ الْعُبُودِيَّةِ أَهْلٌ لِلْعِتْقِ؛(5) هر کس به
»شرائط بندگی قیام کند، اهلیت (و سزاواری) آزادگی یافته است

ب. ویژگیهای عبادت علی علیه السلام

جامعیت اوصاف علی علیه السلام در جامعیت عبادت او نهفته است. اگر آن حضرت تمامی
آنچه را که خوبان عالم دارند، داراست، بخاطر آن است که عبادت او تمام اوصاف بایسته و
شایسته عبادات را در خود فراهم آورده و برخوردار است که به نمونه هایی اشاره می
شود.

عبادت آگاهانه

از مهم ترین ویژگی یک عبادت برتر این است که عابد آن آگاه به معبود و آگاه به مسئولیت خویش و زمان خود باشد و گرنه، نه تنها ثمربخش نخواهد بود که خطر ساز و انحراف آور است.

علی علیه السلام این حقیقت را با زبانها و بیانهای مختلفی گوشزد و بیان می نمود، گاه می فرمود:

الْمُتَعَبِّدُ عَلَى غَيْرِ فِقْهِ كَحِمَارِ الطَّاحُونَةِ يَدُورُ وَلَا يَبْرَحُ وَرَكَعَتَانِ مِنَ عَالِمٍ خَيْرٌ مِنْ سَبْعِينَ «
رَكَعَةً مِنْ جَاهِلٍ لِأَنَّ الْعَالِمَ تَأْتِيهِ الْفِتْنَةُ فَيَخْرُجُ مِنْهَا بِعِلْمِهِ وَتَأْتِي الْجَاهِلَ فَتَنْسِفُهُ نَسْفًا وَ قَلِيلُ الْعَمَلِ مَعَ كَثِيرِ الْعِلْمِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ مَعَ قَلِيلِ الْعِلْمِ وَ الشَّكُّ وَ الشُّبُهَةُ؛ (6) پرستشگر نادان همچون خر آسیاب است که به گرد خود می گردد و گامی به پیش نمی رود. و دو رکعت (نماز) از شخص عالم برتر از هفتاد رکعت نماز نادان است؛ زیرا عالم وقتی گرفتار فتنه شود، با علم خود از آن بیرون می آید، ولی جاهل وقتی دچار فتنه گردد، غرق شود. و «عمل اندک با علم زیاد بهتر از عمل بسیار با علم اندک همراه با شک و تردید می باشد

و گاهی آن حضرت اعلام خطر می کرد که «مَنْ عَبَدَ اللَّهَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَفَرَ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ؛ (7) هر کس بدون آگاهی و معرفت خدا را عبادت کند، از جایی که خود نمی داند سر از کفر در می آورد.» مصداق بارز این حدیث در تاریخ اسلام، خوارج است که با آن همه عبادت بر علیه امام زمان خویش قیام کردند. اگر هم جاهلی به چنان خطری دچار نشود، لااقل بهره کافی از عبادت نمی برد؛ چنان که علی علیه السلام فرمود: «لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةٍ لَيْسَ فِيهَا «تَفَقُّهُ؛ (8) عبادتی که آگاهانه نباشد، خیری در آن نیست

و گاه دردمندانه سفارش می فرمود: «سَكَّنُوا فِي أَنْفُسِكُمْ مَعْرِفَةَ مَا تَعْبُدُونَ حَتَّى يَنْفَعَكُمْ مَا تُحَرِّكُونَ مِنَ الْجَوَارِحِ بِعِبَادَةِ مَنْ تَعْرِفُونَ؛ (9) معرفت و شناخت آن کس را که می پرستید،

در جان خود جای دهید تا حرکت‌های بدنی که برای عبادت معبود شناخته شده خویش
»تحمل می کنید، شما را سود رساند

و عبادت آن حضرت در اوج عرفان و آگاهی بود. ذِغْلِبْ عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! آیا
پروردگارت را دیده ای؟ آن حضرت فرمود: «مَا كُنْتُ أَعْبُدُ رَبًّا لَمْ أَرَهُ. فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ!
كَيْفَ رَأَيْتَهُ؟ قَالَ: وَيْلَكَ يَا ذِغْلِبُ لَمْ تَرَهُ الْعُيُونُ بِمُشَاهَدَةِ الْأَبْصَارِ وَلَكِنْ رَأَتْهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ
الْإِيمَانِ» (10) من پروردگاری را که نبینم، نمی پرستم. عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! او را
چگونه دیدی؟ فرمود: ای ذغلب! وای بر تو! دیده های ظاهر او را نتواند دید، ولی دیده
های دل به وسیله حقایق ایمان او را مشاهده می کنند

2. عبادت عاشقانه

علی است عاشق خدا بندگیش شعار نیست ز بارگاه قدس حق یک نفس او کنار نیست
وقتی معرفت و شناخت به معبود اصلی به حد اعلای خود رسید، به دنبال آن عشق و محبت
آشکار می شود

بار دگر نکو ترش بینم از آنکه دیده ام

یکسره مهر این و آن از دل خود بریده ام نقش جمال یار را تا که بدل کشیده ام
هر نظری که بگذرد جلوه رویش از نظر

(11)

»را عبادت می کنم

در روایت دیگری، عبادت را به سه گونه تقسیم نموده: عبادت بردگان که ناشی از ترس
است، و عبادت تاجران که برای رسیدن به بهشت است، و عبادت آزادمردان، و آن گاه می
و گروهی خدا⁽¹²⁾ فرماید: «وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ حُبًّا لَهُ فِتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ؛
را به خاطر دوستی (و عشق) او می پرستند، پس این گونه عبادت، عبادت آزادمردان است

و برترین عبادت هم همین است.» و در جای دیگر فرمود: «لَوْ لَمْ يَتَوَعَّدِ اللَّهُ عَلَى مَعْصِيَتِهِ اگر [فرضا] خداوند کیفری برای معصیت خود⁽¹³⁾ لَكَانَ يَجِبُ أَنْ لَا يُعْصَى شُكْرًا لِنِعْمَتِهِ؛ «معین نکرده بود، سپاس گزاری از نعمتش ایجاب می کرد که از فرمانش سرپیچی نشود».

3. عبادت خاشعانه

نماز یکی از مهم ترین عبادات است و از ویژگیهای مهم یک نماز مطلوب این است که انسان در حال نماز، خضوع و خشوع داشته باشد. هم اعضا و اندام در خدمت نماز باشد و هم دل در گرو خداوند. قرآن کریم درباره مؤمنان می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ به راستی که ایمان آورندگان رستگار شدند؛ همانان که در نماز»⁽¹⁴⁾ «فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»؛ «خود [فروتن و] خاشع اند».

علی علیه السلام بر این ویژگی نیز تأکید دارد و به دیگران سفارش می فرماید که «لِيَخْشَعَ آدمی⁽¹⁵⁾ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ، فَإِنَّهُ مَنْ خَشَعَ قَلْبُهُ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ خَشَعَتْ جَوَارِحُهُ فَلَا يَغْبِثُ بَشْيَءٍ؛ باید در نمازش خشوع داشته باشد؛ زیرا کسی که قلبش برای خدای عزیز و جلیل خاشع شد، همه اعضا و اندامش نیز خاشع گردد. پس با چیزی سرگرم و مشغول نمی شود».

در جای دیگر به کمیل چنین سفارش نمود: «يَا كُمَيْلُ لَيْسَ الشَّانُ أَنْ تُصَلِّيَ وَ تَصُومَ وَ تَتَصَدَّقَ إِنَّمَا الشَّانُ أَنْ تَكُونَ الصَّلَاةُ فُعِلَتْ بِقَلْبٍ نَقِيٍّ وَ عَمَلٌ عِنْدَ اللَّهِ مَرْضِيٌّ وَ خُشُوعٌ سَوِيٌّ، وَ ای کمیل! مقام این نیست که نماز گذاری و روزه بگیری و صدقه دهی،⁽¹⁶⁾ إِبْقَاءٌ لِلْجَدِّ فِيهَا؛ مقام آن است که نماز همراه قلب پاک انجام شود و مورد پسند الهی بوده، همراه با خشوع».

«متعادل، و دوام جدیت باشد».

و علی علیه السلام خود چنان عبادتی داشت. شاهدش عبادتهای شبانه اوست که هر شب بر اثر درک عظمت خدا و خوف از او غش می کرد.

4. عبادت خالصانه

آن گاه که معرفت و عشق وجود انسان را فرا گرفت، بوی شرک و ریا نیز از انسان دور می شود و عبادت رنگ خلوص به خود خواهد گرفت. علی علیه السلام عبادت خالصانه را این گونه توصیف می کند: «الْعِبَادَةُ الْخَالِصَةُ أَنْ لَا يَرْجُو الرَّجُلُ إِلَّا رَبَّهُ وَلَا يَخَافُ إِلَّا ذَنْبَهُ؛⁽¹⁷⁾ عبادت خالص آن است که آدمی فقط به پروردگارش امید داشته باشد و جز از گناهش «نترسد».

از آنجا که یقین و باور علی علیه السلام در بالاترین قله معرفت قرار دارد، اخلاص او نیز چنین است؛ چرا که خود فرمود: «سَبَبُ الْإِخْلَاصِ الْيَقِينُ؛⁽¹⁸⁾

«سبب و علت اخلاص ورزیدن، باور است

و در جای دیگر فرمود: «ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ؛⁽¹⁹⁾

«میوه علم و دانش، خالص نمودن عمل است

5. عبادت مستمر

علی علیه السلام می فرماید: «دَوَامُ الْعِبَادَةِ بُرْهَانُ الظَّفَرِ وَ السَّعَادَةُ وَ دَوَامُ الشُّكْرِ عُنْوَانُ دَرْكِ الزِّيَادَةِ؛⁽²⁰⁾

عبادت دائمی دلیل پیروزی و نیک بختی است و سپاس گذاری همیشگی، نشانه دریافت «فزونی [نعمت] می باشد

[⁽²¹⁾ و فرمود: «قَلِيلٌ تَدْوُمُ عَلَيْهِ أَرْجَى مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ مِنْهُ؛

عمل [اندکی که به آن ادامه می دهی، امید [سود دهی] به آن بیشتر از کار بسیاری است که «ملال آور [و غیر دائمی] است

6. میانه روی در عبادت

نکته دیگری که مولا علی علیه السلام به آن توجه دارد، اقتصاد و میانه روی در عبادات است؛ یعنی انسان به قدری که توان دارد و حال و نشاط او را یاری می کند، به عبادت بپردازد و از افراط و تفریط پرهیز نماید.

رهرو آن نیست گهی تند و گهی خسته رود رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود در بخشی از وصیت نامه آن حضرت به فرزندش می خوانیم: «وَ اقْتَصِدْ فِي عِبَادَتِكَ وَ عَلَيْكَ [⁽²²⁾ فِيهَا بِالْأَمْرِ الدَّائِمِ الَّذِي تُطِيقُهُ؛

پسرم!] در انجام عبادت میانه رو باش و بر تو لازم است که در انجام عبادت روش دائمی «. که توانش را داری، پیشه سازی

ج. برترین عبادات

در این بخش به نمونه هایی از برترین عبادات از دیدگاه امیر موحّدان علیه السلام اشاره می کنیم

1. رکوع و سجود: از میان عبادات، برترین عبادتی که انسان را بیشتر به خداوند نزدیک می کند، رکوع و سجود است. آن حضرت می فرماید: «نِعْمَ الْعِبَادَةُ السُّجُودُ وَ الرُّكُوعُ؛» (23) «.بهترین عبادت سجده و رکوع است

2. انجام واجبات: آن حضرت فرمود: «وَلَا عِبَادَةَ كَأْدَاءِ الْفَرَائِضِ؛» (24) هیچ عبادتی همچون «.انجام دادن واجبات نیست

این نکته درخور دقت است، مخصوصا در جامعه امروزی، که خیلیها دنبال انجام کارهای غیر واجب، و ترک واجبات هستند. ایام عاشورا خرج می دهند، ولی خمس مال خویش را نمی پردازند. شبها تا دیروقت عزاداری می کنند، ولی نماز صبح از دست می رود. هر سال ... به مشهد و عمره... می روند، اما زکات و خمس را نمی پردازند و

اندیشیدن: امام علی علیه السلام می فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْفِكْرُ» (25) برترین عبادت 3. «تفکر است

و علم و دانش نیز که باعث پرورش اندیشه می شود، مشمول این برتری خواهد شد؛ چنان که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْفِقْهُ» (26) برترین عبادت فهم «[دین] است

اخلاص: حضرت علی علیه السلام فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْإِخْلَاصُ» (27) برترین عبادت 4. «اخلاص است

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ» (28) برترین عبادت پاکدامنی است»

«الزَّهَادَةُ» (29) برترین عبادت زهدورزی است

(30)

«فروتنی در مقابل اوست

پیروزی بر عادت: و فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ غَلَبَةُ الْعَادَةِ» (31) برترین عبادت پیروزی بر 8. «عادت است

عجائب جان فزا و دلنشینی	ز نخلستان بگوش آید طنینی
ندای آتشین و عاشقانه	علی دارد مناجات شبانه
به نخلستان بود گریان و نالان	به روز واقعه ضراب میدان
در اینجا آتشین آهش جهان گیر	در آن جا چون نهنگ بحر تقدیر
یتیمان را نمی کردی فراموش	گاهی انبان زاد و توشه بر دوش
سراغ کودکان رفتی پدروار	ز تاریکی به شب پوشیده رخسار
یتیمان را نوازش می نمودی	بر آن دستی که خیبر می گشودی

1. ذاریات/56.

2. غرر الحکم و درر الکلم، ص 198، ح 3935.

3. همان، ص 199، ح 3942.

4. همان، ص 199، ح 3937.

5. همان، ح 3940 و ر. ک: آثار الصادقین، صادق احسان بخش، ج 12، ص 298.

6. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج 2، ص 114.

7. اعلام الدین، ص 96؛ آثار الصادقین، ص 298.

8. تحف العقول، ص 204؛ منتخب میزان الحکمة، ص 325.

9. بحار الانوار، ج 75، ص 63.

10. اصول کافی، ج 1، ص 245؛ توحید صدوق، ص 109؛ سفینه البحار، ج 2، ص 180.

11. تفسیر صافی، چاپ قدیم، ص 333؛ آثار الصادقین، ص 325؛ نهج البلاغه، حکمت 290.

12. الکافی، ج 2، ص 84، ح 5؛ منتخب میزان، ص 326؛ نهج البلاغه، حکمت 237.

13. سیری در نهج البلاغه، ص 86.

14. مؤنن / 2-1.

15. بحار الانوار، ج 81، ص 239؛ آثار الصادقین، ج 11، ص 107.

بحار الانوار، ج 74، ص 273؛ آثار الصادقين، ج 11، ص 106. 16.

غرر الحكم و درر الكلم، ص 199، ح 3945. 17.

همان، ص 62، ح 746. 18.

همان، ص 64، ح 799. 19.

آثار الصادقين، ج 12، ص 301؛ ناسخ التواريخ، ج 6، ص 187. 20.

بحار الانوار، ج 68، ص 218. 21.

همان، ج 68، ص 214. 22.

غرر الحكم و درر الكلم، ص 175، ح 3355. 23.

نهج البلاغة، حكمت 113. 24.

غرر الحكم و درر الكلم، ص 56، ح 532. 25.

بحار الانوار، ج 67، ص 304؛ آثار الصادقين، ج 12، ص 313. 26.

مجموعه ورام، ج 2، ص 109. 27.

بحار الانوار، ج 68، ص 269. 28.

ميزان الحكمة، ج 6، ص 20، ح 11365. 29.

بحار الانوار، ج 75، ص 247؛ تحف العقول، ص 424. 30.

غرر الحكم و درر الكلم، ص 199، ح 3947⁷. 31.

⁷ <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/2689/3843/29532>

